

اشتباه رایج والدین در انجام تکالیف فرزندان

نویسنده: سمانه بابایی آموزگار پایه چهارم ابتدایی

مقدمه

تکالیف درسی یکی از اجزای مهم فرایند یادگیری دانش‌آموزان است و می‌تواند به تثبیت آموخته‌ها، افزایش مسئولیت‌پذیری و تقویت مهارت‌های خودتنظیمی کمک کند. با این حال، نقش والدین در این فرایند همیشه به شکل درست ایفا نمی‌شود. برخی والدین با نیت کمک و پیشرفت فرزند، به جای حمایت آموزشی، ناخواسته به عاملی برای وابستگی، اضطراب و کاهش انگیزه تبدیل می‌شوند. پژوهش‌های داخلی نیز نشان می‌دهند که کیفیت مشارکت والدین اهمیت بیشتری از صرف مقدار مشارکت دارد؛ یعنی همراهی والدین زمانی سودمند است که به استقلال کودک لطمه نزند و او را از نقش فعال در یادگیری خارج نکند (رحیمی، شیربند، و اسعدی، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آموزش درست به والدین می‌تواند انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان را افزایش داده و اضطراب مدرسه را کاهش دهد (رحیمی، رسولی فتح‌آباد، و زارع، ۱۳۹۸). بنابراین، مسئله اصلی این است که والدین چگونه باید در انجام تکالیف حضور داشته باشند و از چه خطاهایی پرهیز کنند.

اشتباهات رایج والدین در انجام تکالیف

یکی از رایج‌ترین خطاها این است که والدین تکلیف را به جای فرزند انجام می‌دهند. در این حالت، کودک به جای یادگیری، تنها نتیجه نهایی را تحویل می‌دهد. چنین رفتاری ممکن است در کوتاه‌مدت موجب رضایت والدین یا حتی نمره بهتر شود، اما در بلندمدت اعتمادبه‌نفس، مسئولیت‌پذیری و استقلال یادگیری کودک را تضعیف می‌کند. منابع تربیتی جدید نیز تأکید دارند که والدین باید «پشتیبان» باشند نه

«جایگزین معلم»؛ یعنی کمک کنند کودک یاد بگیرد چگونه یاد بگیرد، نه اینکه پاسخ آماده در اختیار او بگذارند (صمدی، ۱۴۰۲).

اشتباه دوم، کنترل بیش از حد و سخت‌گیری افراطی است. برخی والدین با پرسش‌های مداوم، تذکرات پی‌درپی و فشار برای کامل‌بودن تکلیف، محیط خانه را به فضای تنش و اضطراب تبدیل می‌کنند. پژوهش رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد آموزش مشارکت والدین در تکالیف، اضطراب مدرسه را کاهش می‌دهد؛ این یافته به‌طور ضمنی نشان می‌دهد که مشارکت نادرست و تنش‌زا می‌تواند نتیجه‌ای معکوس داشته باشد. وقتی تکلیف به میدان کشمکش تبدیل شود، کودک به‌جای علاقه به یادگیری، از آن فاصله می‌گیرد.

اشتباه سوم، تحمیل روش حل والدین به کودک است. بسیاری از والدین فکر می‌کنند چون خودشان بهتر می‌دانند، باید فرزندشان نیز دقیقاً به همان شیوه مسئله را حل کند. در حالی که روش یادگیری هر کودک متفاوت است و گاهی اصرار بر یک شیوه خاص، مانع رشد تفکر مستقل می‌شود. پژوهش عارف‌نژاد (۱۴۰۲) نیز نشان داد که مشارکت والدین در برخی تکالیف، به‌ویژه در بخش‌های بسطی و خلاقیتی، پایین‌تر از حد متوسط است؛ این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که والدین بیشتر در امور مستقیم و ساده مداخله می‌کنند، نه در شکل‌دهی به یادگیری خلاق و مستقل.

اشتباه دیگر، وابسته‌کردن کودک به حضور دائمی والدین است. وقتی والدین همیشه کنار فرزند می‌نشینند، هر خطا را فوراً اصلاح می‌کنند و اجازه نمی‌دهند کودک با دشواری مواجه شود، در واقع فرصت تمرین حل مسئله را از او می‌گیرند. در چنین شرایطی، کودک یاد نمی‌گیرد که با تلاش شخصی به نتیجه برسد. پژوهش رحیمی، شیربند و اسعدی (۱۳۹۸) نشان داد کیفیت مشارکت والدین با تلاش برای انجام تکلیف و اهمال‌کاری تحصیلی مرتبط است؛ بنابراین، هر نوع مداخله‌ای لزوماً مفید نیست و گاهی شکل نامناسب مشارکت می‌تواند به تعلل و وابستگی منجر شود.

همچنین برخی والدین تکلیف را بیش از حد مهم و سرنوشت‌ساز جلوه می‌دهند. وقتی هر اشتباه کوچک به عنوان شکست بزرگ تفسیر می‌شود، کودک دچار اضطراب می‌شود و ممکن است از تکالیف شب بیزار شود. در مقابل، اگر والدین فضای خانه را آرام و حمایتگر نگه دارند، تکلیف می‌تواند به فرصتی برای یادگیری تبدیل شود. نتایج پژوهش اسدی (۱۴۰۳) نیز نشان می‌دهد که مشارکت و حمایت والدین در محیطی آرام و صمیمی، با تقویت یادگیری و علاقه به فعالیت‌های درسی همراه است. این یافته نشان می‌دهد که لحن و کیفیت همراهی والدین اهمیت زیادی دارد.

راهکارهای درست برای والدین

به جای دخالت مستقیم، والدین بهتر است چند رفتار کلیدی را رعایت کنند:

فقط راهنمایی کنند، نه اینکه پاسخ را بدهند.

محیطی آرام، منظم و بدون تنش برای مطالعه فراهم کنند.

به استقلال کودک اجازه دهند و از تصحیح فوری همه خطاها خودداری کنند.

از تشویق و بازخورد مثبت استفاده کنند.

در صورت ضعف جدی در یک درس، از معلم کمک بگیرند، نه اینکه خودشان نقش معلم را بر عهده بگیرند.

این رویکرد با توصیه‌های منابع تربیتی معاصر نیز هماهنگ است که بر نقش حمایتی والدین و نه نقش

آموزشی مستقیم آنان تأکید می‌کند (صمدی، ۱۴۰۲). به بیان دیگر، والدین باید بستر یادگیری را فراهم

کنند، نه اینکه خودشان بار یادگیری را بردارند.

نتیجه‌گیری

اشتباهات رایج والدین در انجام تکالیف فرزندان معمولاً از نیت خوب آغاز می‌شود، اما اگر درست مدیریت نشود، به نتایج منفی مانند وابستگی، اضطراب، کاهش انگیزه و ضعف مسئولیت‌پذیری منجر می‌شود. پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهند که مشارکت باکیفیت والدین در تکالیف، به بهبود عملکرد تحصیلی و انگیزش دانش‌آموزان کمک می‌کند؛ اما این مشارکت باید در قالب حمایت، تشویق و ایجاد محیط مناسب باشد، نه دخالت، اجبار یا انجام تکلیف به جای کودک (رحیمی، شیربند، و اسعدی، ۱۳۹۸؛ رحیمی، رسولی فتح‌آباد، و زارع، ۱۳۹۸). بنابراین، بهترین نقش والدین در انجام تکالیف، نقش همراه آگاه و حمایت‌گر است؛ نه معلم دوم و نه مجری تکلیف. اگر این مرز به‌درستی رعایت شود، تکلیف از یک منبع تنش به یک فرصت رشد تبدیل خواهد شد.

منابع

- اسدی، معصومه. (۱۴۰۳). بررسی رابطه کیفیت مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۷۲، ۶۷-۷۹.
- رحیمی، مهدی، رسولی فتح‌آباد، فاطمه، و زارع، مریم. (۱۳۹۸). تأثیر آموزش مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی بر انگیزش پیشرفت و اضطراب مدرسه دانش‌آموزان. *روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۸(۴)، ۹۲-۱۱۱. <https://doi.org/10.22098/jsp.2020.867>
- رحیمی، مهدی، شیربند، الهام، و اسعدی، سمانه. (۱۳۹۸). بررسی رابطه کیفیت مشارکت والدین در انجام دادن تکالیف درسی با عملکرد تحصیلی در حوزه خواندن دانش‌آموزان پایه ششم. *خانواده و پژوهش*، ۱۶(۴)، ۶۵-۸۱.
- صمدی، لیلا. (۱۴۰۲). مادر و پدر باشید، نه معلم! رشد آموزش خانواده، ۵(۲).
- عارف‌نژاد، سعید. (۱۴۰۲). میزان مشارکت والدین در انجام تکالیف دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر تبریز. *پژوهش‌های نوین در آموزش و پرورش*، ۴(۱)، ۳۸-۴۳.